

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٧٩٧١



دانشکده حقوق

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق بین الملل

موضوع:

مسئولیت کیفری فرد در قبال نقض فاحش حقوق بشر دوستانه

استاد راهنما:

دکتر ابراهیم بیگزاده

۱۳۸۶ / ۸ / ۲۷

استاد مشاور:

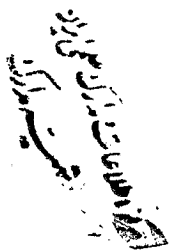
دکتر سیدعلی هنجنی

نگارنده:

زهرا محمودی گردی

سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

۱۰۰۹۷۱



خدایم ، تبرک کن یگانه درسی ، را که نیازمندش هستم
پیامم : ۱۰

اتکالی کامل به تو .

خدایا ، تبرک گردان تا هر روز از زندگیم پیشکش عشقی به
تو باشد ؛ ۱۵

بادا که تو همراه نادیده من ، در تمامی جاده های زندگی در
کنارم باشی .

حاصل این تلاش را به

صلابت وجودم :

پدر بزرگوارم

که دستان یاریگرش همواره پشتیبان گامهای لرزانم بود

و

معنای زندگیم :

مادر عزیزم

که با حمایت های دلسوزانه اش عزمم را در تداوم دانش اندوزی راسخ نمود

تقدیم میکنم که صفای وجودشان سایه ای است بر سرم.

فهرست مطالب

- مقدمه ۱
- بخش اول: عوامل ایجاد مسئولیت کیفری فردی در قبال نقض فاحش حقوق بشر دوستانه
(ارتکاب جنایات جنگی)

فصل اول

جنایت جنگی نسبت به افراد

- گفتار اول: تعرض نسبت به تمامیت جسمانی و روانی ۹
- مبحث اول: ایراد صدمه جسمانی ۹
- الف) قتل عمد ۹
- ب) فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم ۱۵
- مبحث دوم: جرایم سوء رفتار ۱۶
- الف) رفتار غیرانسانی ۱۷
- ب) شکنجه ۲۰
- ج) تجاوز به کرامت شخص به ویژه رفتار موهن و تحقیر کننده ۲۴
- د) انجام آزمایشهای بیولوژیک ۲۷
- گفتار دوم: جرایم مربوط به حملات غیر قانونی ۲۹

۲۹	مبحث اول - حمله علیه غیرنظامیان
۳۴	مبحث دوم: حملات عمدی علیه افراد مورد حمایت خاص
۳۷	گفتار سوم: جرایم مربوط به نقض حقوق بشر
۳۷	مبحث اول: محروم نمودن از حق دادرسی منصفانه و قانونمند
۴۱	مبحث دوم: استفاده از کودکان زیر پانزده سال درمخاصه
۴۴	مبحث سوم: جنایات جنسی
۴۹	مبحث چهارم: اجبار به مشارکت در عملیات جنگی
۵۱	گفتار چهارم: جرایم مربوط به محرومیت از آزادی
۵۱	مبحث اول: تبعید، انتقال یا توقیف غیرقانونی
۵۴	مبحث دوم: حبس غیرقانونی
۵۶	مبحث سوم: گروگان گیری

فصل دوم

جنایات جنگی نسبت به اموال

۶۰	گفتار اول: جنایات مربوط به حملات غیرقانونی
۶۰	مبحث اول - حملات غیرقانونی علیه اموال غیر نظامی
۶۴	مبحث دوم: حمله علیه اموال مورد حمایت خاص
۶۵	گفتار دوم: سایر جرایم علیه اموال
۶۵	مبحث اول - تخریب اموال
۶۸	مبحث دوم: تصاحب یا توقیف غیر قانونی اموال
۷۲	مبحث سوم: غارت
۷۴	مبحث چهارم: ایراد خسارت به محیط زیست

فصل سوم

جنايات جنگی مربوط به استفاده از وسايل و شيوه های ممنوعه

- گفتار اول: استفاده از وسايل ممنوعه در نبرد..... ۷۸
- مبحث اول: استفاده از سلاح های ممنوعه..... ۷۹
- مبحث دوم: انواع سلاح های ممنوعه..... ۸۰
- گفتار دوم: استفاده از شيوه های ممنوعه (خائنه)..... ۸۶
- مبحث اول: سوء استفاده از علائم..... ۸۷
- مبحث دوم: قحطی مصنوعی..... ۸۸
- مبحث سوم: اعلان عدم امان..... ۹۰

بخش دوم: قلمرو مسؤليت کيفری فردی در قبال نقض فاحش حقوق بشر دوستانه و

موانع اعمال آن

فصل اول

قلمرو مسؤليت کيفری فردی

- گفتار اول: مسؤليت افراد عادی..... ۹۳
- گفتار دوم: مسؤليت کيفری مقامات..... ۹۶
- مبحث اول: مسؤليت کيفری مقامات نظامی (فرماندهان)..... ۹۹
- مبحث دوم: مسؤليت کيفری مقامات غير نظامی..... ۱۰۳
- بند اول - مسؤليت کيفری مقامات غير نظامی در مقابل دادگاههای کيفری بين المللی..... ۱۰۵
- بند دوم - مسؤليت کيفری مقامات غير نظامی در مقابل محاکم داخلی کشورها..... ۱۰۷

فصل دوم

موانع اعمال مسئولیت کیفری فردی

- گفتار اول: علل تبری از مسئولیت در حقوق بین الملل کیفری و حقوق حاکم بر مخاصمات
 مسلحانه ۱۱۳
- مبحث اول: علل معافیت از مسئولیت در حقوق بین الملل کیفری ۱۱۴
- بند اول: علل رافع مسئولیت کیفری ۱۱۴
- الف) جنون ۱۱۵
- ب) مستی ۱۱۶
- ج) اشتباه ۱۱۷
- بند دوم: علل مواجهه مسئولیت کیفری ۱۱۸
- الف) اکراه و اضطرار ۱۱۸
- ب) دفاع مشروع ۱۲۰
- ج) اطاعت از دستور مافوق (امر آمر قانونی) ۱۲۳
- د) سن ۱۲۵
- مبحث دوم: علل معافیت از مسئولیت کیفری در حقوق حاکم بر مخاصمات مسلحانه ۱۲۶
- بند اول: مقابله به مثل ۱۲۷
- بند دوم: ضرورت نظامی ۱۲۹
- گفتار دوم: موانع مجازات ناقضان حقوق بشر دوستانه ۱۳۱
- مبحث اول: مصونیت ۱۳۲
- بند اول: انواع مصونیت در حقوق بین الملل ۱۳۳
- الف) مصونیت شغلی ۱۳۳
- ب- مصونیت شخصی ۱۳۳
- بند دوم: بررسی مصونیت به عنوان مانع مجازات ناقضان حقوق بشر دوستانه ۱۳۳

۱۳۳	الف) بررسی مصونیت در اساسنامه محاکم کیفری
۱۳۶	ب) بررسی مصونیت در رویه قضایی بین المللی
۱۳۸	مبحث دوم: عفو
۱۴۰	بند اول: انواع عفو
۱۴۰	الف) عفو عمومی و فراگیر
۱۴۲	ب) عفو جزئی
۱۴۳	ج) عفو بین المللی
۱۴۴	بند دوم: تاثیر انواع عفو در عدم اعمال مسؤولیت کیفری فردی
۱۴۷	مبحث سوم: مرور زمان

فصل سوم

مجازات ناقضان حقوق بشر دوستانه

۱۵۲	گفتار اول: طبقه بندی مجازات
۱۵۳	مبحث اول: مجازات های بدنی
۱۵۳	بند اول: مجازات اعدام و روند لغو آن
۱۵۳	الف) مجازات اعدام
۱۵۵	ب) روند لغو مجازات اعدام
۱۵۷	بند دوم: مجازات حبس
۱۶۰	مبحث دوم: مجازات های مالی
۱۶۰	بند اول: جزای نقدی
۱۶۲	بند دوم: مصادره اموال و منافع حاصل از جرم
۱۶۳	گفتار دوم: عوامل موثر در مجازات ناقضان حقوق بشر دوستانه
۱۶۴	مبحث اول: اهمیت جرم
۱۶۶	مبحث دوم: علل و کیفیات مشدده
۱۶۷	مبحث سوم: کیفیات مخففه

نتیجه گیری ۱۶۸

منابع و مأخذ ۱۷۲

ضمائم

اگر قرار است حقوق بین الملل به بقای صلح کمک نماید،

اصل مسئولیت کیفری فردی، اصلی لازم و منطقی است.

رابرت جکسون

دادستان دادگاه نظامی

نورنبرگ

تاریخ جامعه بشری هیچ گاه از مصیبت جنگ و جنایت، مصون نبوده است؛ این جنگها و تجاوزات همواره- با نقض های گسترده و فاحش حقوق بشردوستانه، یعنی ارتکاب شدیدترین جرایم جنگی همراه بوده است. بنابراین، مفهوم مسئولیت کیفری ناقضان حقوق بشر دوستانه (مجرمان جنگی) از جمله موضوعاتی است که لزوم بحث و بررسی دقیق حقوقی آن، همواره محسوس بوده است. بررسی تلاشهای جامعه بین المللی جهت تعیین سازوکارها و معیارهای حقوقی برای شناخت مسئولیت و مجازات مجرمان جنگی و اثبات جایگاه آن در حقوق بین الملل و در عین حال، موانع موجود در راه مجازات این افراد؛ موضوع اصلی این پایان نامه است.

مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین الملل به دلیل خصوصیت جامعه بین المللی و تعریف خاص از حقوق بین الملل و تابعان آن، تا اوایل قرن بیستم جایگاه ثابت و استواری نداشت؛ زیرا حقوقدانان در بدو ایجاد حقوق بین الملل، آن را حقوق حاکم بر روابط میان دولتها تعریف کرده و دولتها را تنها موضوع حقوق بین الملل می دانستند. در آن زمان شرایطی برای احراز موضوع حقوق بین الملل، بیان شده بود که به راحتی قابل انطباق بر یک شخص طبیعی نبود؛ این سه شرط عبارت بودند از:

- توانایی برخورداری از حقوق و تکالیف به موجب حقوق بین الملل

- اهلیت انعقاد موافقت نامه با دیگر موضوعات حقوق بین الملل

- حق حضور در محضر دادگاهها و مراجع قضایی بین المللی^۱

^۱ - بلدسو، رابرت بوسچک، فرهنگ حقوق بین الملل، ترجمه پارسا، علیرضا، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۸، چاپ اول، ص ۹۵.

در حالی که دولتها به سادگی قابلیت برخورداری از این شروط را داشتند، افراد، نمی توانستند واجد هر سه شرط باشند؛ بنابراین موضوع حقوق بین الملل محسوب نمی شدند و به تبع آن از هیچ گونه حق و تکلیفی برخوردار نبودند.

این عامل، یعنی اعتبار بیش از حد به حاکمیت دولتها و فراموشی افراد که در واقع گردانندگان اصلی سیاست بین المللی محسوب می شوند، دارای آثاری نامطلوب برای جامعه بشری بود و سبب گردید افرادی که در صدر قدرت قرار داشتند، با آغاز جنگهای منطقه ای و جهانی، مرتکب جنایات فراوان شوند و در پاسخ به مسئله مسئولیت کیفری خویش، حاکمیت را دستاویز قرار دهند. در این میان جامعه بین المللی، همچنان به تلاش خود برای موضوعیت یافتن افراد ادامه می داد؛ زیرا اگر مسئله پذیرش افراد به عنوان تابع و موضوع حقوق بین الملل حل می شد، مقوله مسئولیت کیفری افرادی که مرتکب جنایات هولناک می شدند، نیز قابل حل بود.

در این مقطع زمانی، نظرات دانشمندانی همچون «ژرژسل»، در مورد نقش و اهمیت افراد در حقوق بین الملل، بسیار ارزنده بود و سبب شد جامعه بین المللی به سمت پذیرش فرد به عنوان تابع حقوق بین الملل گام بردارد.

به عقیده ژرژسل، "چون جامعه بین المللی قبل از هر چیز از افراد، یعنی تابعان راستین حقوق بین الملل تشکیل شده است، کار اصلی حقوق بین الملل حفظ و توسعه همبستگی میان اجتماعی است که، ابتدا میان افراد ظاهر شده است؛ به همین سبب اگر افراد هر جامعه، از اجرای قانونی که از همبستگی ناشی شده است سرباز زنند، اثر پیوند اجتماعی از میان می رود و همبستگی از هر گونه محتوایی تهی می گردد."^۱

بیان این نظریات از یک سو، و وقوع جرایم جنگی متعدد در خلال جنگهای منطقه ای و جهانی از سوی دیگر، سبب شد برای نخستین بار تجلیات مسئولیت کیفری فردی در عهدنامه ورسای ۱۹۱۹ آشکار گردد. مطابق ماده ۲۲۷ عهدنامه مذکور، ویلهلم دوم امپراطور آلمان به خاطر نقض فاحش اخلاق بین المللی و اعتبار مقدس معاهدات، مورد اتهام علنی قرار گرفت. هرچند این محاکمه به دلیل امتناع دولت هلند از استرداد ویلهلم دوم انجام نشد، ولی با

^۱ - فلسفی، هدایت اله، جایگاه بشر در حقوق بین الملل معاصر، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۵، شماره ۱۸، ص ۲۱۶.

تصریح به مسئولیت کیفری فردی، در تثبیت جایگاه فرد در حقوق بین الملل و پاسخ به ابهامات و تردید های موجود، بسیار موثر بود. عهد نامه ورسای، برای نخستین بار این واقعیت را روشن کرد که؛ اگرچه حقوق بین الملل، حاکم بر روابط میان کشورهاست و نسبت به آنها به عنوان اصلی ترین موضوعات حقوق بین الملل اعمال می شود؛ ولی از سوی دیگر شاخه ای از حقوق، به نام حقوق بین الملل کیفری وجود دارد که مبین ممنوعیت های حقوقی شخصی است و مستقیماً نسبت به افراد به دلیل اعمال مجرمانه ای که مسئول آن هستند، اعمال می گردد. به همین دلیل عهدنامه مذکور به عنوان نخستین سنگ بنای مسئولیت کیفری محسوب می شود.

جنگ جهانی دوم و تحولات حقوقی و سیاسی بزرگی که متعاقب آن به وجود آمد، ضرورت تدوین سریع سلسله مقررات بین المللی کیفری را آشکار ساخت؛ زیرا تجربه جنگ، جامعه بین المللی را متوجه ساخت که صلح و امنیت جهانی تا چه اندازه آسیب پذیر است و حفظ آن از طریق ایجاد ابزارها و عناصر حقوقی و نیز نهادهای منسجم کیفری، تا چه میزان حیاتی است.^۱ بدین ترتیب و بر اساس این واقعیات، بعد از پایان جنگ، محاکم نورنبرگ و توکیو برای رسیدگی به جرایم ارتكابی در خلال جنگ جهانی دوم، تشکیل شدند. یکی از موارد مهم اتهام در این دادگاهها، ارتكاب جنایات جنگی یا همان نقض حقوق بشر دوستانه بود. این محاکمات، از نقطه نظر تعیین مسئولیت کیفری مجرمان جنگی اهمیت بسیار دارند.

پس از تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ و با توجه به وظیفه مهمی که برای پاسداری از صلح و امنیت بشری به آن سازمان واگذار شد، تلاشها در جهت تثبیت جایگاه مسئولیت کیفری مجرمان جنگی در حقوق بین الملل، فزونی گرفت. تشکیل دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا، از طریق قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد، نشان داد جامعه بین المللی به این حقیقت دست یافته است که؛ یکی از شیوه های تامین صلح و امنیت بین المللی، برخورد قضایی با مجرمان جنگی است. اما نقطه عطف تلاشهای جامعه بین المللی در راستای شناسایی مسئولیت کیفری ناقضان و متجاسران به قواعد حقوق بشر دوستانه را باید، تشکیل دیوان بین المللی کیفری دانست. کمیسیون حقوق بین الملل در سال

^۱ - نجفی ابرند آبادی، علی حسین، مسئولیت کیفری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۳-۷۴، شماره ۱۵، ص ۱۷۵.

۱۹۹۴، پیش نویس اساسنامه دیوان بین المللی کیفری را در شصت ماده به تصویب رساند و نهایتاً متن نهایی اساسنامه دیوان شامل ۱۲۸ ماده، در نشست نمایندگان تام الاختیار ملل متحد در رم به تأیید رسید.

این نهاد بین المللی، در اول ژوئیه ۲۰۰۲ شروع به کار نمود. حقوق بین الملل از تاسیس این نهاد کیفری به خود می بالد و افتخار می کند که گامی دیگر در جهت رسیدن به اهداف متعالی اش، برداشته است. از جمله مهمترین جرایمی که در اساسنامه دیوان مزبور مورد بحث و تفصیل قرار گرفته است، جرایم جنگی یا همان نقض فاحش حقوق بشردوستانه است.

مطالعه تاریخچه مسئولیت کیفری فردی، این حقیقت را اثبات می کند که؛ جامعه بین المللی در گذران حیات تاریخی اش، این واقعیت را پذیرفته است که برخی اعمال و رفتارها نباید انجام شود و ارتکاب آنها هرگز نمی تواند مشروع باشد از جمله این اعمال، جنایات جنگی است. از آنجایی که شناخت مفهوم جرم جنگی و چگونگی تحقق آن، لازمه ی مسئولیت کیفری مجرمان جنگی است؛ لذا مفهوم جرم جنگی باید مشخص شود.

جرم جنگی به عنوان یک پدیده مجرمانه، جزء جرایم بین المللی است؛ مقصود از جرایم بین المللی نیز، فعل یا ترک فعلهایی است که ناقض قواعد و مقررات حقوق بین الملل هستند. جرایم بین المللی، خلاف حقوق بین الملل بوده و منافع جامعه بین المللی و ارزشهای آن را مورد هدف قرار می دهند. این جرایم خطری برای نظم عمومی بین المللی محسوب می شوند. با تحولاتی که در عرصه روابط بین الملل به وجود آمده است، منافع جامعه بین المللی به نحو فزاینده ای گسترش پیدا کرده است. امروزه افراد، جزء تابعان حقوق بین الملل محسوب می شوند و منافع جامعه بین المللی در حفظ حقوق و آزادی های افراد است؛ لذا هرگونه لطمه به این حقوق و ارزشها که در اسناد حقوق بشر و بشردوستانه تجلی یافته اند و از ماهیت امره برخوردار هستند، اگر در زمان جنگ صورت پذیرد، نقض فاحش حقوق بشر دوستانه است و در قالب جنایات جنگی، قابل تعقیب و مجازات است.

در این رساله، هدف این است که با روش تحلیلی و از طریق مطالعه کتابخانه ای به بررسی مسئولیت کیفری فرد در قبال نقض فاحش حقوق بشردوستانه، پرداخته شود. برای

نیل به این هدف ، و پاسخگویی به این سوالات که آیا در حقوق بین الملل معاصر مسوولیت کیفری فرد در قبال نقض فاحش حقوق بشر دوستانه محقق شده است؟ اگر پاسخ مثبت است قلمروی این مسوولیت تا چه حد است؟ و آیا موانعی در راه تحقق این مسوولیت وجود دارد؟ رساله به دو بخش و هر بخش به سه فصل تقسیم شده است. در بخش اول دلایل ایجاد مسئولیت کیفری فردی و در بخش دوم، قلمرو مسئولیت کیفری فردی و موانع اعمال آن، و نهایتاً مجازاتهای اعمالی مطالعه و بررسی شده است.

در پایان ذکر چند نکته ضروری است:

اولاً) در این رساله، اساسنامه دیوان بین المللی کیفری به دلایل زیر به عنوان معیار، برای بررسی جنایات جنگی، لحاظ شده است.

— اساسنامه مذکور، به ارائه تعریفی مشروح از جنایات جنگی پرداخته است و عناوین متعدد این جنایات را که در اسناد مختلف پراکنده بودند، تدوین و گردآوری نموده است.

— اساسنامه آخرین سند موجود در این زمینه است؛ لذا در برگیرنده تحولات و توسعه

های صورت گرفته، به ویژه در مورد جنایات جنگی می باشد.

— جنایات مندرج در اساسنامه (از جمله جنایات جنگی) در حقیقت تبلور حقوق عرفی میباشند لذا هیچگونه تردیدی در ممنوعیت آنها طبق حقوق بین الملل عرفی، وجود ندارد.

ثانیاً) به دلیل مشابهت میان جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، ذکر این نکته ضروری است که در این رساله تنها به بررسی جنایات جنگی که منحصر به زمان وقوع مخاصمه مسلحانه (بین المللی و داخلی) است، پرداخته شده است .

بخش اول:

دلایل مسئولیت کیفری فردی در قبال نقض فاحش

حقوق بشر دوستانه در اسناد و رویه قضایی

بین المللی

بی شک یکی از مهمترین تحولات اخیر حقوق بین الملل، اهمیت یافتن فرد و جایگاه او در حقوق بین الملل است. در عالم حقوق هر کجا حقی برای شخصی در نظر گرفته شود، در مقابل، تعهدات و تکالیفی نیز بر آن شخص بار می شود که در صورت تخطی از آنها، تعهدات ثانویه که همان اصول و قواعد مسئولیت است به اجرا در می آید.

مسئله این است که دلایل ایجاد این مسئولیت را در کجا باید جستجو نمود. به عبارت دیگر در چه قلمروهایی و تحت چه شرایطی این مسئولیت ایجاد می شود؟ آنچه مسئولیت کیفری فردی را تحقق می بخشد، ارتکاب جنایات جنگی است. این جنایات حاصل نقض فاحش قواعد حقوقی است که ریشه در معاهدات مختلف حقوق بشر دوستانه، عرفها و آداب جنگی دارد و آنچه حائز اهمیت است ارزش این عرفها و کنوانسیونها در پیدایش مفاهیم و ممنوعیت هایی است که نادیده گرفتن آنها، جرم جنگی است.

البته نقش رویه قضایی را در غنای مفهوم مسئولیت کیفری فردی، نباید از نظر دور داشت؛ رویه قضایی، هر چند نمی تواند خالق جرایم جنگی باشد؛ اما در رسمیت بخشیدن به امکان مجازات مرتکبین این جرایم و مشخص نمودن مصادیق جرایم مزبور و نیز تایید مسئولیت کیفری فردی، نقش بسزایی را ایفا نموده است.

در این بخش از پایان نامه، دلایل ایجاد مسئولیت کیفری فردی از دو جنبه تئوری (اسناد بین المللی) و عملی (رویه قضایی)، بررسی می شود. اسناد مورد مطالعه، به دو بخش تقسیم می شوند که عبارتند از:

الف) معاهدات حقوق بشردوستانه یعنی:

کنوانسیونهای لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷^۱

کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹^۲ و پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷^۳

۱ - کنوانسیونهای ۱۸۹۹ لاهه شامل سه کنوانسیون (کنوانسیون فیصله مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، کنوانسیون حقوق و عرفهای جنگ زمینی، کنوانسیون راجع به جنگ دریایی) و سه اعلامیه (اعلامیه ممنوعیت تیراندازی از بالن، اعلامیه ممنوعیت کاربرد گازهای سمی و خفه کننده، اعلامیه ممنوعیت کاربرد گلوله های انبساطی) است. از میان قواعد لاهه ۱۹۰۷ نیز، کنوانسیون شماره ۴ (کنوانسیون مربوط به قواعد و مقررات حاکم بر جنگ زمینی) مد نظر است.

۲ - چهار کنوانسیون ژنو عبارتند از کنوانسیون اول مربوط به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران هنگام لشکر کشی، کنوانسیون دوم مربوط به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا، کنوانسیون سوم مربوط به رفتار با اسرای جنگی و کنوانسیون چهارم مربوط به حمایت از افراد کشوری در زمان جنگ.

۳ - پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ مربوط به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین المللی و پروتکل دوم راجع به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی است.

ب) اساسنامه محاکم کیفری بین المللی (نورنبرگ، یوگسلاوی سابق، رواندا، و دیوان

بین المللی کیفری)

از آنجایی که نقش رویه قضایی در روشن نمودن قواعد حقوقی بر هیچ کس پوشیده نیست، در پرداختن به هر جرم، رویه قضایی دادگاههای یاد شده تا حد امکان، مورد بررسی قرار گرفته است.

در پایان لازم به ذکر است که در تقسیم بندی فصلهای این بخش برای جلوگیری از تکرار مطالب و امتناع از تداخل موضوعات، مبنای تفکیک؛ اشخاص، اموال و وسایل و شیوه های نبرد؛ فارغ از زمینه درگیری است. علت انتخاب این تقسیم بندی، مخالفت های روز افزون در میان دولت ها و حقوق دانان، نسبت به تفکیک میان مخاصمات بین المللی و داخلی است. سالهاست که حقوق دانان به ساختگی بودن این تفکیک، اشاره می کنند و آن را حاصل ملاحظه کاربهای سیاسی میدانند. با توجه به آنچه که بیان شد، مطالب این بخش در سه فصل، به شرح زیر طبقه بندی شده است:

فصل اول: جنایات جنگی علیه افراد، فصل دوم: جنایات جنگی نسبت به اموال و فصل سوم: جنایات جنگی مربوط به استفاده از وسایل و شیوه های ممنوعه در نبرد.

فصل اول:

جنايات جنگى نسبت به افراد

جنگ‌ها تغییر چهره می‌دهند، ولی چهره آسیب دیدگان از جنگ‌ها تغییر نمی‌کند.

«کورتلیو سوماروگا»

رئیس سابق

صلیب سرخ جهانی

هدف سنتی حقوق بشردوستانه، کاهش آلام انسانها، حمایت از افراد بی‌گناه و محدود کردن آثار سوء ناشی از جنگ برای این افراد و هدف جدید آن، تامین احترام به شان و کرامت والای انسان و تضمین حق حیات و حقوق اساسی وی است. فلاسفه و اندیشمندان برجسته رنسانس نقش عمده‌ای را در گسترش و توسعه احترام به حقوق افراد در مخاصمات مسلحانه ایفا نمودند. گروسیوس به توضیح این نکته پرداخته است که جان غیرنظامیان و کسانی که در حال جنگ نیستند یا سربازانی که تسلیم شده‌اند، باید محفوظ بماند. وی می‌گوید: «در پایان جنگ تا وقتی که مدافعین اسلحه به دست دارند دشمن حق کشتن آنها را دارد اما به محض اینکه اسلحه‌ها را به زمین گذاشتند و تسلیم شدند دیگر در ردیف مردمان عادی در می‌آیند و کسی حق کشتن آنها را ندارد.^۱

تدوین قوانین جنگ و توجه به حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه، پس از تاسیس صلیب سرخ، سیر شتابنده‌ای به خود گرفت که از طریق تدوین کنوانسیون‌های منعقد در لاهه و ژنو بود.

اما عمده تحولات، در زمینه تدوین حقوق بشردوستانه و احترام به حقوق افراد در منازعات مسلحانه از طریق قراردادهای منعقد در ژنو، شکل گرفت به همین دلیل «حقوق بشردوستانه» را «حقوق ژنو» هم نامیده‌اند.^۲

مقصود از افراد مورد حمایت که ارتکاب برخی اعمال علیه آنها، جرم جنگی محسوب می‌شود، شامل غیرنظامیان، اسرا، مجروحان و بیماران نیروهای مسلح است. در میان غیرنظامیان برخی از گروه‌ها نیازمند حمایت خاص هستند، از جمله این افراد زنان و کودکانند

^۱ - آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران (جمعیت هلال احمر)، تهران، تابستان ۱۳۸۱، چاپ اول، صص. ۱۰ و ۹.

^۲ همان منبع، ص ۱۱